

ماجرای عارف شدن میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از زبان رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب درباره مقام معنوی مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، بیان داشتند: او در زمان حیات خود، قبله اهل معنا بود و امروز قبر آن بزرگوار، محل توجه اهل باطن و اهل معناست.



به مناسبت سالروز وفات استاد اخلاق امام(ره)

ماجرای عارف شدن میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از زبان رهبر معظم انقلاب
رهبر معظم انقلاب درباره مقام معنوی مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، بیان داشتند: او در زمان حیات خود، قبله اهل معنا بود و امروز قبر آن بزرگوار، محل توجه اهل باطن و اهل معناست.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی - استاد اخلاق امام(ره)- در نجف، شاگرد چهره‌های برجسته‌ای بود که در نهایت به آخوند ملاحسینقلی همدانی می‌رسد که داستان زندگی او نیز داستان عجیب و شنیدنی است.

این عارف بالله بعد از شیخ انصاری در مقام مرجعیت شیعه قرار گرفت، ولی مرحوم آیت‌الله سیدعلی شوشتری اجازه نداد که او مرجع تقلید شود و گفت: خدا شما را برای مرجع تقلید شدن نیافریده است، اگر طبل مرجعیت بزنید، قیامت گریبان‌ت را می‌گیرند، خدا تو را ساخته است که با این نفس و علمی که به تو داده است، انسان بسازی، نه فقه و اصول بگویی!

از مرحوم ملکی آثار ارزنده‌ای از جمله اسرار الصلاة، المراقبات، اعمال السنة، رساله‌ای در فقه و رساله لقاءالله به جای مانده است، این عالم ربانی سر انجام پس از یک عمر تلاش در راه تهذیب انسان‌ها در سحرگاه یازدهم ذی‌الحجه سال 1344 قمری به دیار باقی شتافت و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

* مرحوم حاج میرزا جواد آقا تبریزی از منظر رهبری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهنمودهایی به مناسبت ماه مبارک رمضان سال گذشته تحت عنوان «#171 سی روز، سی گفتار»؛ ایراد کردند که در روز دهم به بحث «#171 تکبر مانع تکامل»؛ پرداختند. قسمتی از بیانات معظم‌له به مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی اختصاص داشت که در ادامه می‌آید:

شنیدم مرحوم حاج میرزا جواد آقا تبریزی معروف -که از بزرگان اولیا و عرفا و مردان صاحب‌دل زمان خودش بوده است- اوایی که برای تحصیل وارد نجف شد، با این‌که طلبه بود ولی به شیوه اعیان و اشراف حرکت می‌کرد.

نوکری دنبال سرش بود و پوستینی قیمتی روی دوشش می‌انداخت و لباس‌های فاخری می‌پوشید؛ چون از خانواده اعیان و اشراف بود و پدرش در تبریز ملک‌التجار بوده یا از خانواده ملک‌التجار بودند. ایشان طلبه و اهل فضل و اهل معنا بود و بعد از آن‌که توفیق شامل حال این جوان صالح و مؤمن شد، به در خانه عارف معروف آن روزگار، استاد علم اخلاق و معرفت و توحید، مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی -که در زمان خودش در نجف، مرجع و ملجأ و قبله اهل معنا و اهل دل بوده است و حتی بزرگان می‌رفتند در محضر ایشان می‌نشستند و استفاده می‌کردند- راهنمایی شد.

روز اولی که مرحوم حاج میرزا جواد آقا، با آن هیئت یک طلبه اعیان و اشراف متعین به درس آخوند ملاحسینقلی همدانی می‌رود، وقتی که می‌خواهد وارد مجلس درس بشود، آخوند ملاحسینقلی همدانی، از آن جا صدا می‌زند که همان‌جا -یعنی همان دم در، روی کفش‌ها- بنشین. حاج میرزا جواد آقا هم همان‌جا می‌نشیند. البته به او بر می‌خورد و احساس اهانت می‌کند، اما خود این و تحمل این تربیت و ریاضت الهی او را پیش می‌برد. جلسات درس را ادامه می‌دهد. استاد را -آن‌چنان‌که حق آن استاد بوده- گرامی می‌دارد و به مجلس درس او می‌رود.

یک روز در مجلس درس (یا) بعد که درس تمام می‌شود، مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی به حاج میرزا جواد آقا رو می‌کند و می‌گوید: برو این قلیان را برای من چاق کن و بیاور! بلند می‌شود، قلیان را بیرون می‌برد؛ اما چه طور چنین کاری بکند؟! اعیان، اعیان‌زاده، جلوی جمعیت، با آن لباس‌های فاخر! ببینید، انسان‌های صالح و بزرگ را این طور تربیت می‌کردند، قلیان را می‌برد به نوکرش که بیرون در ایستاده بود می‌دهد و می‌گوید: این قلیان را چاق کن و بیاور. او می‌رود قلیان را درست می‌کند و می‌آورد به میرزا

جوادآقا می‌دهد و ایشان قلیان را وارد مجلس می‌کند. البته این هم که قلیان را به دست بگیرد و داخل مجلس بیاورد، کار مهم و سنگینی بوده است؛ اما مرحوم آخوند ملاحسینقلی می‌گوید که خواستم خودت قلیان را درست کنی، نه این‌که بدهی نوکرت درست کند!

این، شکستن آن من متعرضِ فضول موجب شرکِ انسانی در وجود انسان است. این، آن منیت و خودبزرگ‌بینی و خودشگفتی و برای خود ارزش و مقامی در مقابل حق قایل شدن را از بین می‌برد و او را وارد جاده‌ای می‌کند و به مدارج کمالی می‌رساند که مرحوم میرزا جواد آقای ملکی تبریزی به آن مقامات رسید. او در زمان حیات خود، قبله اهل معنا بود و امروز قبر آن بزرگوار، محل توجه اهل باطن و اهل معناست. بنابراین قدم اول، شکستن من درونی هر انسانی است که اگر انسان، دایم او را با توجه و تذکر و موعظه و ریاضت -همین‌طور ریاضت‌ها- پست و زبون و حقیر نکند، در وجود او رشد خواهد کرد و فرعونی خواهد شد.